

بالا چپ، حفاریهای باستانشناختی انجام شده در چین از ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۷ بر روی بازمانده‌هایی از کشور باستانی زونگشان، در ایالت کتونی هبی، جنوب شرقی پاچینگ به آغاز معلومات مادربراره این دوره تمدن چین (از قرن ششم تا قرن سوم پیش از میلاد) مدد رسانده است.

حولود ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ م بعدست آمد که بیشتر آنها متعلق به دو گور شاهی است. چندین آلت موسیقی گواه بر آن است که در این دوره به مرسیقی توجه نراوان می‌شده. کوتنگوزی (کونغوسیوس) موسیقی را برای اداره خوب و درست کشور لازم می‌دانسته است. شاه کسوژو از زونگشان (مستوفی در عال ۳۱۴ ق.م.) ظاهرآ با این نظر موافق بوده است. مجموعه زنگهایی از سنگهای موسیقی و یک مجموعه کامل ۱۴ زنگوله‌ای مفرغی (تصویر) در گور او بعدست آمد. این زنگوله‌ها که به ترتیب نزولی در داخل یک قاب چوبی رنگ و روغن زده آویخته برد. زبانه نداشته، بلکه با کوپیدن جکنسی آنها را به صدا در می‌آورند.

پایین چپ، نقش بر جسته رنگین معبد عقاها، جزئی از مجموعه کلیساخی مکریکوستی

Photo Alex Webb © Magnum, Paris

بالا راست: خرابهای مرنهجردار و در باستان طرحهای پیش فتح نفسه‌ریزی شهر در اینجا اجرا می‌شده گر در خشان مرنهگی مرده شد. در میان ۵،۰۰۰ سال پیش از این بوده است.

Photo © Raoul Zamora, Paris

پایین راست: شاهکار خرد جواهر از کورگان (تپه دفن مردگان) در اوکراین یک جانور افسانه‌ای را با آریزه‌هایی به شکل خوشة انگور نشان می‌دهد

Photo © Institute of Oriental Studies of the USSR Academy of Sciences, Moscow

صفحة مقابل

بالا: این مینیاتور بسیار نادر مجسمه نیمتنه عاج از اسکندر کبیر که کلام مخصوصی به شکل سرمهی برس دارد از قرن سوم ق.م است. در یک معبد بزرگ تاجیکستان به توسط باستانشناسان شوروی از زیرزمین بیرون آورده شد.

Photo © Institute of Oriental Studies of the USSR Academy of Sciences, Moscow

زیر: سریش دار بروش تملن «نوک» نیجریه. چون اغلب اشیاء به دست آمده از تملن «نوک» از زمینه‌های آبرفتی به دست آمده که در آنها چینه‌نگاری به سبب لفڑش زمین غیرممکن است، اطلاعات باستانشناختی یقینی درباره آنها اندک است. استفاده از کرین ۱۲ و پرتوانشانی حرارتی برای تاریخ‌گذاری، زمان تملن «نوک» را ق.م ۵۰۰ ± ۲۰۰ تخمین می‌کند.

Photo © Université Catholique de Louvain. De Grunne Collection

معبد بزرگ

آر-تیک در قلب پایتخت مکریک

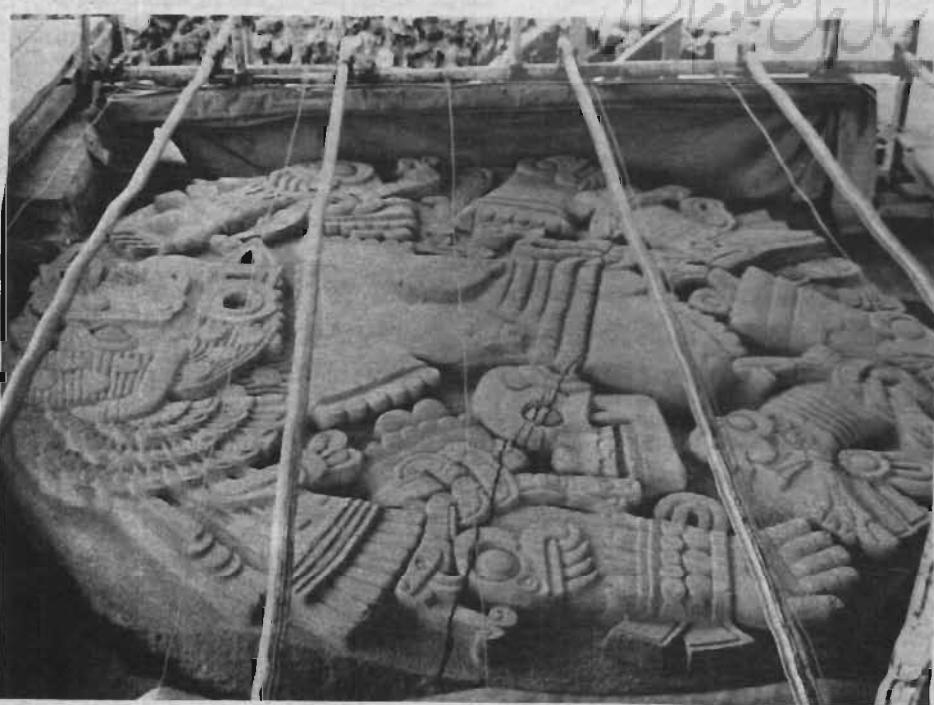
نگارش: ادواردو ماتوس موکزوما

بیکره‌ای است که نیمرخی را با سری آراسته به زیورها نشان می‌دهد.

عملیات نجات تا روز ۲۷ فوریه زیر نظر باستانشناسان ادامه یافت، و این بار دریافتند که سنگ مذکور صخره بزرگی است که نیمی از قطر آن به ۳/۲۵ متر می‌رسد و بر روی آن نقش بر جسته زنی عربان و بدون سر حجاری شده که دستها و پاهاش از بیکر جدا شده اند. بی هیچ شک و تردیدی این پیکره نشانگر «کویولخوارکی» - یکی از الهه‌های ما، و خواهر «هونتزلوبوچتلی» خدا آزتیک جنگ - بود که به گفته داستان باستان در نبردی که میان وی و برادرش در گورهای «کوآتیک» رخداد کشته شده است.

از آن تاریخ اجرای طرح معبد بزرگ آغاز گشت و برنامه‌ریزی در سه مرحله اساسی در نظر گرفته شد تا

در زیر: سنگ «کویولخوارکی» که نیمه قطوش به ۳/۲۵ متر می‌رسد و گشته تصادفی آن در پایتخت مکریک در سال ۱۹۷۸ به اجرای برخانه گذاشته شد. آوردن معبد «تقوچتیلان» پرستشگاه بزرگ آزتیک منجر شد. پراین سنگ بیکرده دست و پا بر پرده الهه کویولخوارکی، یکی از رب‌التو عهله‌ی ما، حجاری شده که به روایت داستانی باستانی در نبردی که میان وی با برادرش هونتزلوبوچتلی، خدای جنگ در گرفت شکست خورد و برادرش وی را کشت و دست و پایش را برید.



و هر بخش به یک باستانشناس و دستیار انش سپرده شد.
گروههای پشتیبانی شامل: مرتمگران با آزمایشگاه صحرائی، تعدادی از دانشمندان زیستشناسی و شیمی و زمینهای از «دایره مطالعات پیش از تاریخ» تشکیل شد. همچنین آزمایشگاهی برای عکسبرداری و بخشی برای رسم و بخشی برای تجزیه و تحلیل مواد استخراجی در اختیار هیئت قرار گرفت.

مرحله سوم شامل بررسی و تجزیه و تحلیل موادی بود که در مرحله پیشین گردآوری شده بود. ما پس از چهارسال کار مداوم دو مرحله نخست را به پایان رسانیدیم و اینک در صندوق اجرای مرحله سوم هستیم که احتمال می‌رود زمان بیشتری به درازا کشد.

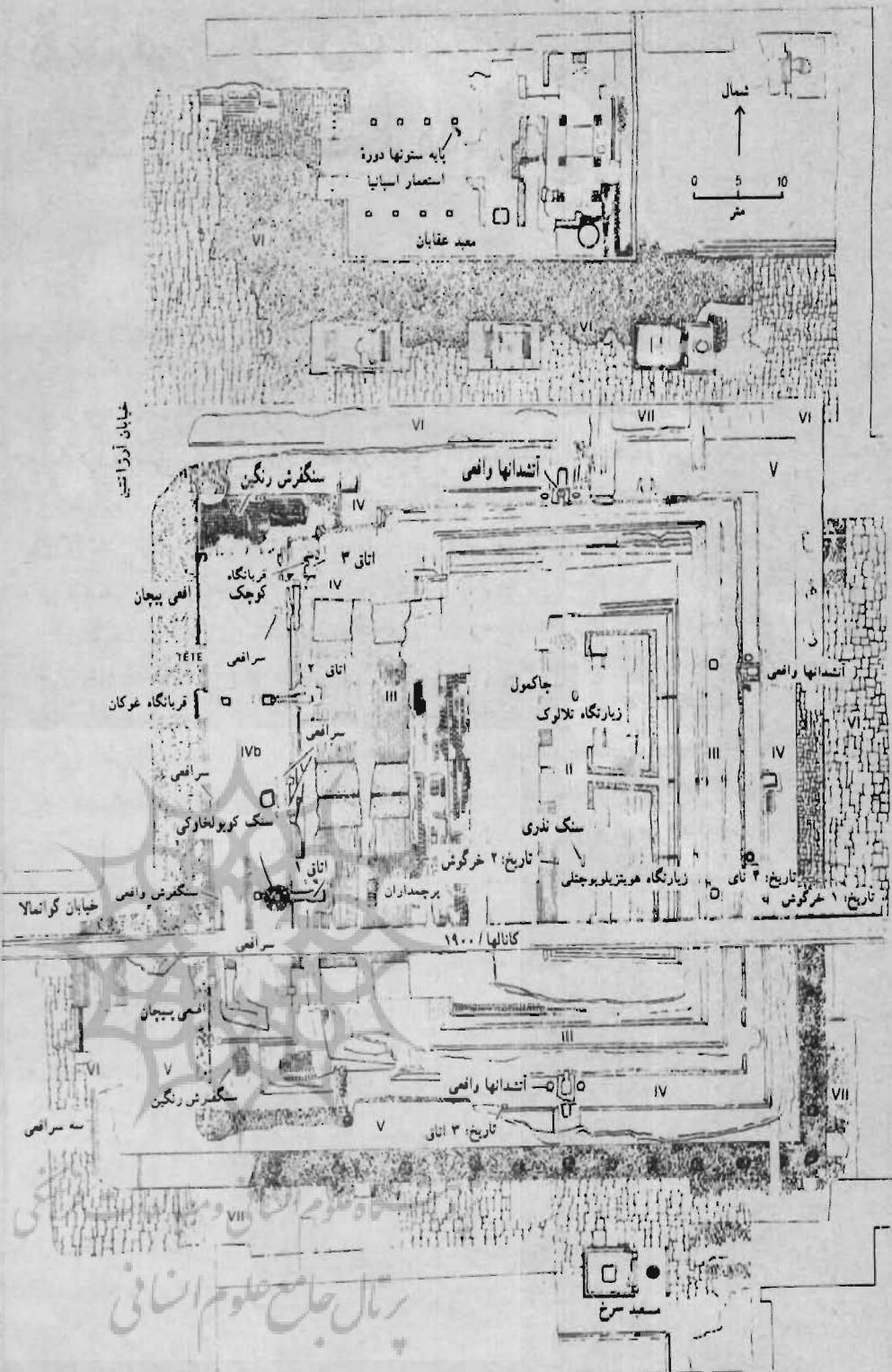
اینک گزارشی مختصر درباره اثیابی که پس از پنج سال کارش در محل به دست آمده و بررسیهای اصلی که در حال حاضر در جریان است به نظر خواهد گان می‌رسد.

معماری. نوشتہایی که واقعه‌نگاران قرن شانزدهم برای ما بجا نهاده بودند از سالیان پیش تنها منبع اصلی مطالعاتی ما بود که برای شناخت مشخصات و بیزیگهای معبد بزرگ بدان متولی می‌شدیم. اما امروز، از برتو و برکت بررسیهای باستانشناسی این معبد عنین در برابر دیدگان ماست و می‌توانیم در نایابیم توصیفی که مورخان پیشین آورده‌اند مطابق مشهودات خود ایشان یا مشهودات برخی ساکنان اصلی این سرزمین بوده است؛ علم تاریخ نیز امکان آکاهی از مراحل قبلی تحول این معبد بزرگ را که حتی نسلهای سابق ملت مکریک از آن آکاهی نداشتند به ما می‌دهد.

نمای اصلی این معبد که بر سکوی بزرگی با بنلادی ضخیم و برجسته قرار گرفته رو به غرب است، و معبد که مرکب از چهاربخش است دوراه پله برای رسیدن به طبقه بالا که محل دوزیارتگاه است دارد. زیارتگاه اول در سمت جنوب مخصوص «هویتیلوبوچتلی» خدای جنگ است که معبد اصلی برای او ساخته شده و زیارتگاه دومی در شمال که به «تلالوک» خدای آب و باران و حاصلخیزی اختصاص دارد.

گنجایی معبد (از سطح و ارتفاع) چند نوبت و به موجات گوناگون افزایش یافته است زیرا از یک سو شهر تنجه‌تلان علاوه بر آنکه دستخوش فرونشستگی زمین بوده در معرض بارندگیهای قرار داشته که ایجاد می‌کرده کف ساختمانها را بالا بآوارند و از سوی دیگر، چنانکه از روایت تاریخ برمی‌آید، برخی از فرمانروایان در ادوار متولی دستور ساختن معبدی بر فراز معبد پیشین را مندادند. امروزه ما به یقین می‌دانیم که دست کم در هفت نوبت گنجایی این معبد از چهارسو افزوده شده و این علاوه بر جهار مورد افزودگیهای دیگری است که تنها به نمای اصلی معبد اضافه شده است.

در زیر تصوری عام از هریک از ادوار ساختمنان (به استثنای دوره اول که بادوره دوم در آمیخته و در جناب وضع ویرانی بوده که توصیف آن بسیاریده و غیر ضروری) باید بطری رسایم.



Plan © Scientific American, New York

طرح اکتشاف در سه مرحله به اجرا درآمد: مرحله اول به گردآوری اطلاعات بسیار درباره این معبد اختصاص داشت، خواه از منابع تاریخی و خواه از گزارش‌های عملیات کارشی که پیشتر در همین محل یا نزدیک آن انجام شده بود، تا بر اساس آنها برنامه‌ای کلی و هماهنگ شامل جوانب نظری و عملی موضوع تنظیم شود.

مرحله دوم، اجرای عملیات کاوش بود که در ۲۰ مارس ۱۹۷۸ آغاز شد و در ماه نوامبر ۱۹۸۲ پایان یافت، برای آنکه جریان کار به نحو مطلوب پیشرفت کند تکیه‌های مناسبی به کار گرفته شد. نخست منطقه عملیات به مریع‌هایی به مساحت چهار متر تقسیم شد. تمام سطح کاوش نیز به سه بخش تقسیم شد.

اصول نظری و برنامه اجرایی به نوعی تطبیق شود که فکر و تصور روشی از معبد اصلی ملت آزتیک یا مکریک که در جزیره‌های کوچک دریاچهٔ تونکوکو «تاسال ۱۳۲۵ میلادی مأوا داشته و سپس رشد و تحول یافته است به دست آید. این ملت در آغاز به عنوان قومی زیر فرمان «آزکابوژالکو» می‌زیسته تا در سال ۱۴۲۸ به استقلال رسیده و سپس به صورت یک اجتماع توسعه طلب سرزمینهای وسیعی از امریکای مرکزی را گشوده و این رفع سیچان امامه یا الله با این ملت به ریز سلطنه اسپایا درآمده است که سپاهیانش در قرن شانزدهم به فرماندهی هر نان کورتیس به جنگ مکریک آمده‌اند و شهر آزتیک «توچنیتلان» را ویران کرده‌اند و بر اثر آن معبد بزرگ نیز بازدید شده است.

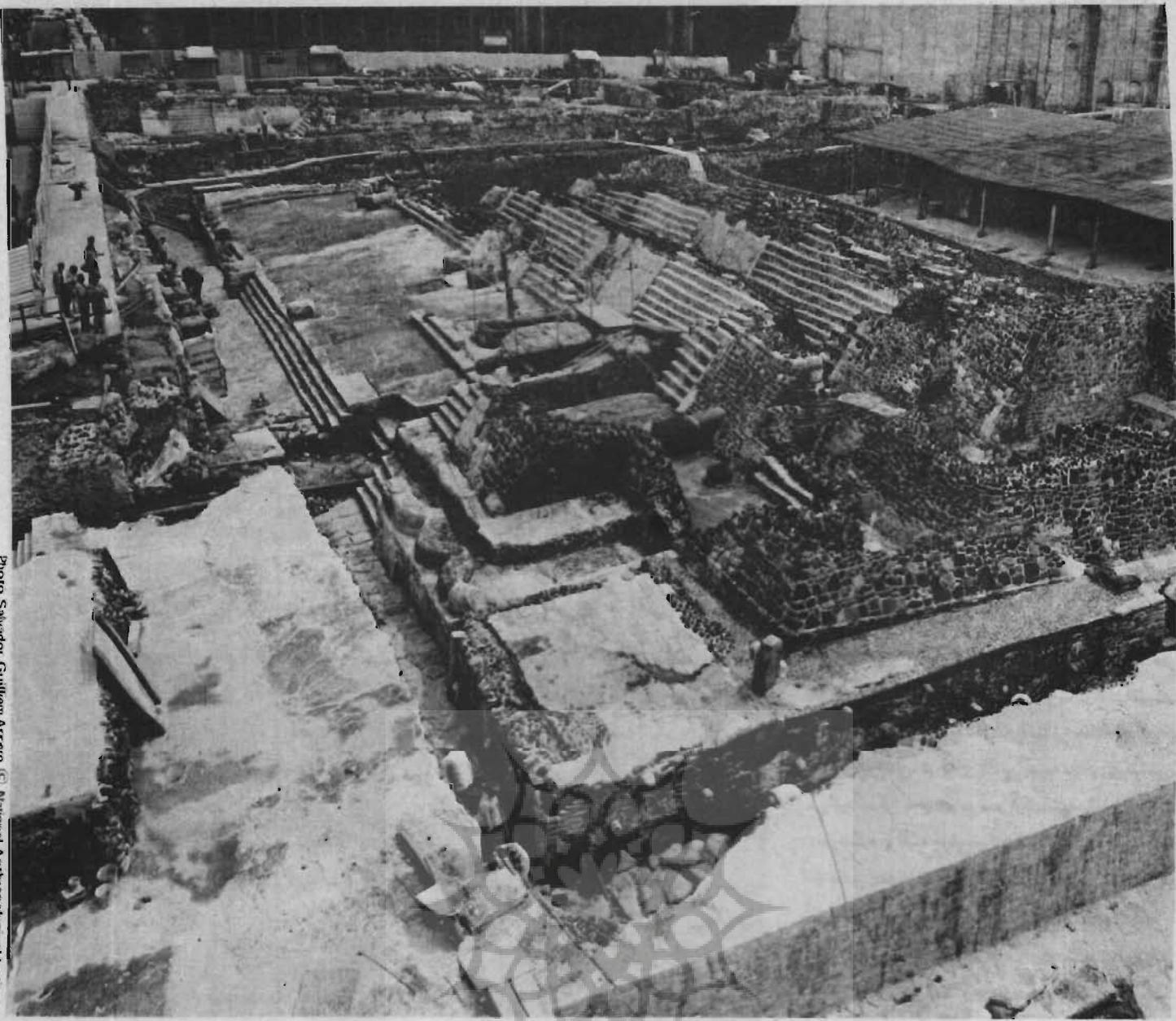


Photo: Salvador Guillen Arellano © National Anthropological Institute

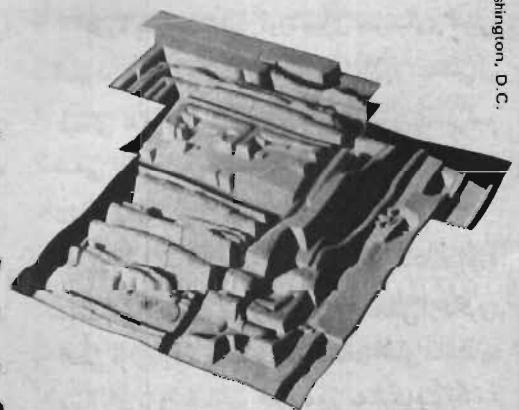
Paintings: Ned Sedler © National Geographic, Washington, D.C.

در طول نمای معبد به طرف شمال برویم به پیکرۀ دوگوک (که در این عکس روشن نیست) بر می‌خوریم (غالباً غوکان مظہری سمبولیک از تلالوک،^۱ رب النوع باران بوده‌اند). در سمت راست این صفحه ندساپدلر، هنرمند، تصویری مجسم از طبقات بی‌جهدۀ را ترسیم کرده است. ارتفاع این معبد که رو به مغرب است به حدود ۶۰ متر می‌رسد و در آن دو بلکان مشابه که به دوزیار تگاه منتنه می‌شود تعبیه شده.

البته حفاری در نقطه‌ای مهم، در قلب شهری بزرگ و جدید، یعنی او صافی که کاملاً بر شهر مکزیک تطبیق می‌کند مطلقاً آسان نیست، بسویزه که سطح آبهای زیرزمینی آن جهار تا بیچ متر بالاتر از سطح خیابانهای شهر است، همچنین حرکت عبور و مروری شهری از عواملی بود که سرعت کار حفاری را می‌کاست و نیز لازم بود پیش از شروع عملیات، سیزده ساختمان شهر برچیده شود. اما از سوی دیگر وجود محل کاوی در منطقه شهری مزایابی نیز داشت که امکان استفاده از کارشناسان رشته‌های کوئنکون از جمله شهرسازان، ارشیکها، فاکلناسیل، سراانکسال، پرلله‌لشاسان و ماهی‌شناسان را تسهیل می‌کرد، به علاوه تعداد بسیاری از دانشجویان که دار طبلانه در عملیات اجرایی این برنامه کمک کردند.

تبلو مایور، یا معبد بزرگ مکزیک، متعلق به مردم نهر آزتیک تئوتیختلان مظہر قدرت و عظمت امپراتوری آزتیک بوده است. بر فراز این معبد دوزیار تگاه ساخته شده: یکی برای تلالوک رب النوع آب و باران و برکت و دیگری برای هویتیلوبوجتلی. رب النوع جنگ و اقتاب که تعبیری از اتکای اقتصاد مردم مکزیک به کشاورزی و خراجی است که بر این جنگهای فاتحانه به دست می‌آمد. عملیات کاوش نشان داد که ساختمان این معبد در هفت دوره اصلی انجام گرفته (ارقام رومی که در نفše صفحه مقابل دیده می‌شود بیانگر این دوره است)، تاریخ نخستین مرحله اکتشافی ما (که در میان دوره ساختمانی معبد است) به حدود سال ۱۳۹۰ می‌رسد که بنای آن دوره تقریباً سالم و دست نخورده به جای مانده. اما ساختمان آخرین دوره (دوره هفتم) را جنگجویان اسپانیایی با خاک یکسان کرده‌اند. عکس بالا منظره عمر مسی معبد را از زاریه جنوب غربی نمای اصلی آن نشان می‌دهد. در وسط عکس سنگ کویولخاوکی (که دار بستی فلزی اطراف آن را نشان می‌نماید) و بواری (بووار)، کفار بلکانی که به زیارتگاه رب النوع جنگ منتنه می‌شود، بسیارهای از افعی (که غالباً مظہری سمبولیک از هویتیلوبوجتلی است) ملاحظه می‌شود. هنگامی که

معبد بزرگ تئوتیختلان





غارت آثار گذشته

جمع‌آوری و ضمن مراسمی به صورتی که اینک دیده می‌شود روبی پلکانها قرار داده شده‌اند. در بخش خلفی این ساختمان بر دیواره سکو، از سمت هویتی‌بلوچتی، نقش ۴ نای، با تاریخ ۱۳۲۱ میلادی دیده می‌شود.

دوره چهارم – این دوره علاوه بر کرت افزودگی‌های ساختمانی یکی از غنی‌ترین دوران از لحاظ عناصر آرایشی معبد است، چنان‌که سکوی اصلی از چهار جانب به آتشدانها و پیکره‌سراهای افعی آراسته شده و در زیر آتشدانها و افعیها هدایا و نور بسیاری وجود دارد.

در طول دوره چهارم ب عناصر بسیار ارزشمندی به نمای اصلی (عربی) افزوده شده است، این افزودگی‌ها مربوط به سکوی ضخیم است که معبد بزرگ بر آن استوار شده و سکویی است با پلکان خارجی پوشش که در هر طرف آن پیکره‌افعیان عظیمی حجاری شده که بدنهای پیچانشان به سراهای بسیار بزرگ منتهی می‌شود و هنوز بقایای رنگهای اصلی خود را حفظ کرده‌اند. در میسر این پلکان جز قربانگاه کوچکی که بر دو سنگپایه کوچک آن دو غرک ایستاده اند چیزی دیده نمی‌شود. قربانگاه مذکور در وسط ردیف پلکانی که به مزار رب النوع تلالوی منتهی می‌شود قرار گرفته، اما در سمت رب النوع هویتی‌بلوچتی، در بر ابر پلکانی که به مزار وی منتهی می‌شود سنگی به بهنای دو متر آراسته به پیکره افعیان وجود دارد که طبقه چهارم سکو را تشکیل می‌دهد. پایه‌ای که شامل بخش باقیمانده فضای دو پلکانی است که به قسمت فوقانی معبد می‌رسند، با پیکره سر چهار افعی متعایز شده (دو پیکره در دو طرف، و دو پیکره نزدیک به هم در وسط) که شانه وحدت دو بنیاد است. در وسط سکو از سمت رب النوع هویتی‌بلوچتی، پیکره کویلخاکی، یعنی پیکره نقش برجسته سنگی بزرگی که نمودار خواهر این رب النوع جنگ است جلب نظر و شگفتی می‌کند.

از دیدگاه تاریخی ماستقدیم که دوره چهارم ساختمانی معبد مقارن با روزگار حکومت سلطان موکتزومای اوک است، و دلیل آن وجود نقش ۱ خرگوش در بخش فوقانی سکو، از سمت هویتی‌بلوچتی و به تاریخ ۱۴۰۴ است. بعد نیست پیکره کویلخاکی و افعیان در عهد حکومت آخایاکائیل بدان افزوده شده باشد. در بخش جنوبی سکو نقش ۲ خانه با تاریخ ۱۴۶۹ قرار دارد که سال آغاز حکومت همین پادشاه یعنی آخایاکائیل است.

دوره پنجم – از این دوره چیزی جز سکوی اصلی اندوده به ساروج (ترکیب شن و سیمان) و بخشی از طبقه‌ای که در آن نیاشنگان سنگفرش بزرگ و پرۀ مراسم منبعی قرار دارد و با سنگهای مسطح و ملاط سیمان ساخته شده، کشف نگردیده است.

دوره ششم – این دوره قبل از آخرین دوره ساختمانی است و بقایای آثارش در بخش از سکوی اصلی قرار دارد که آنجا، بر سطحی اصلی ساختمان، دیواره‌ای مزین به سه سر افعی که رو به غرب می‌نگرند

است که تأیید موافقنامه مربوط به موجبات جلوگیری و منع واردات و صادرات و انتقال مالکیت ممتلكات فرهنگی مملکت از راههای غیرقانونی (مورخ ۱۹۷۰) و موافقنامه مخصوص حایات از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی (۱۹۷۲) از این قبیل است. در عکس بالا نیاشنگانی از فراورده‌هایی که به طور غیرقانونی از کشور اکوادور خارج شده و سپس به دنبال یک مراجعت قضایی چندین ساله در دادگاههای ایستادیا مسترد گشته است ملاحظه می‌شود. این نیاشنگان در کیتو، بایخت اکوادور، زیر این عنوان تشکیل شده است:

«اکوادور بخش مهمی از حافظه فرهنگی خود را باز می‌یابد».

امروزه غارت مناطق باستان‌شناسی و صدور میراههای فرهنگی آنها از کشور اصلی وارد گردند آنها از راههای غیرقانونی به دیگر کشورها سوداگری سوداوری در سراسر جهان شده است که سالانه سربه ۳ میلیارد دلار می‌زنند. کشورهای در حال رشد قربانیان اصلی سوداگران آثار هنری عتیقه هستند، زیرا بسیاری از آن کشورها امکانات لازم برای مراقبت و نگهداری کافی از این آثار را در اختیار ندارند. این خسارات تنها منحصر به از دست دادن فراورده‌هایی که نمی‌توان بر آنها قیمتی گذاشت نیست، بلکه ماجرا در نتیجه تخریب کورکرانه دزدان آثار عتیقه منجر به محرومی صفحاتی از تاریخ ملتها می‌شود. یونسکو مبارزه بر ضد این سوداگری غیرقانونی را وجهه همت خود ساخته و گسترش داده

(در تصویر بالا) شماره‌های رومی نشانه ساختمانهای است که به چهار سوی معبد افزوده شده و اگر کنار شماره‌ای حرفی نیز باشد (مانند IVb) نشانگر آن است که افزودگی فقط منحصر به نمای اصلی است.

دوره دوم – خصوصیت ساختمان این دوره آن است که از بخش زیرین آن چیزی ویران نشده چنان‌که در بقایای دو مزار سنگی هنوز قسمتی از اندود (سارو جی) که سراسر آن را می‌پوشاند است می‌بینیم. بر این مدخل مزار «هویتی‌بلوچتی» سنگ قربانی قرار دارد و در محور میان این سنگ و پلکان زیرین نقش حجاری سرخ‌صی و بر فراز آن نقش دو خرگوش مشاهده می‌شود که تاریخ سال ۱۴۲۸ میلادی را ارائه می‌دهد.

در درون مزار می‌توانیم تختگاهی را که برای جلوس رب النوع تعییه شده و از شمال تا جنوب امتداد یافته ملاحظه کنیم و در وسط قربانگاهی کوچک قرار دارد. در سمت مزار «تلالوک» (رو به شمال) پیکره نیم تنه (جاکمول) دیده می‌شود که مجسمه‌ای از سنگ چند رنگ

افزوده شده.

دوره هفتم - آخرین دوره ساختمانی معبد بزرگ است که اسپاینایها هنگام راه یافتن بدان سرزمین آن بنا را دیده اند، ولی اینک از آن بنا جز سنگهای سطح که در ساختمان نیایشگاه آن به کار رفته، و پاره ای بقایای متعلق به عرصه معبد، و بخشی از سکوی آن در سمت شمال چیزی باقی نمانده است.

هایای نذری - ضمن عملیات کاوش که نزدیک به پنج سال ادامه داشت در حدود هفت هزار پاره عتیقه گوناگون مربوط به تقریباً یکصد قطعه هدیه نذری به دست آمد. این قطعات در سه جای مشخص یافت شده: (۱) در صندوقهای چوبی که سطح زیرین دیواره آنها سنگی بوده است و بقایای سیمان بر آنها دیده می شد. (۲) در صندوقهای متحرک در دارسنگی. (۳) هایایی که بدون حفاظ مستقیماً روی سنگ بالایه ای از خاک، که در هر دوره ساختمانی سراسر بنای قبلی را پوشانده، یافت شد.

به طور کلی، به نحوی ممکن می توان گفت که قرار دادن قطعات عتیقه در درون هایا مسول تصادف محض نبوده، بلکه بیانگر قصد انشای معین است، زیرا هر یک از این قطعات در جای مشخصی قرار گرفته و نمودار سمبولیک رمزی است که هنوز کشف نشده است. به عبارت دیگر می توان گفت: نوع این قطعات و جای قرار گرفتن آنها (که به قصد قربت اهدا شده) زیان و پیام خاصی را می رساند، از جمله قطعاتی هستند که نوعاً همواره در قسمت پایین (صندوقچه) هدیه، یعنی در کف آن قرار گرفته اند و پاره ای دیگر همواره در قسمت فوقانی هر محفظه ای که محتوی هدیه بوده است جای داده شده اند.

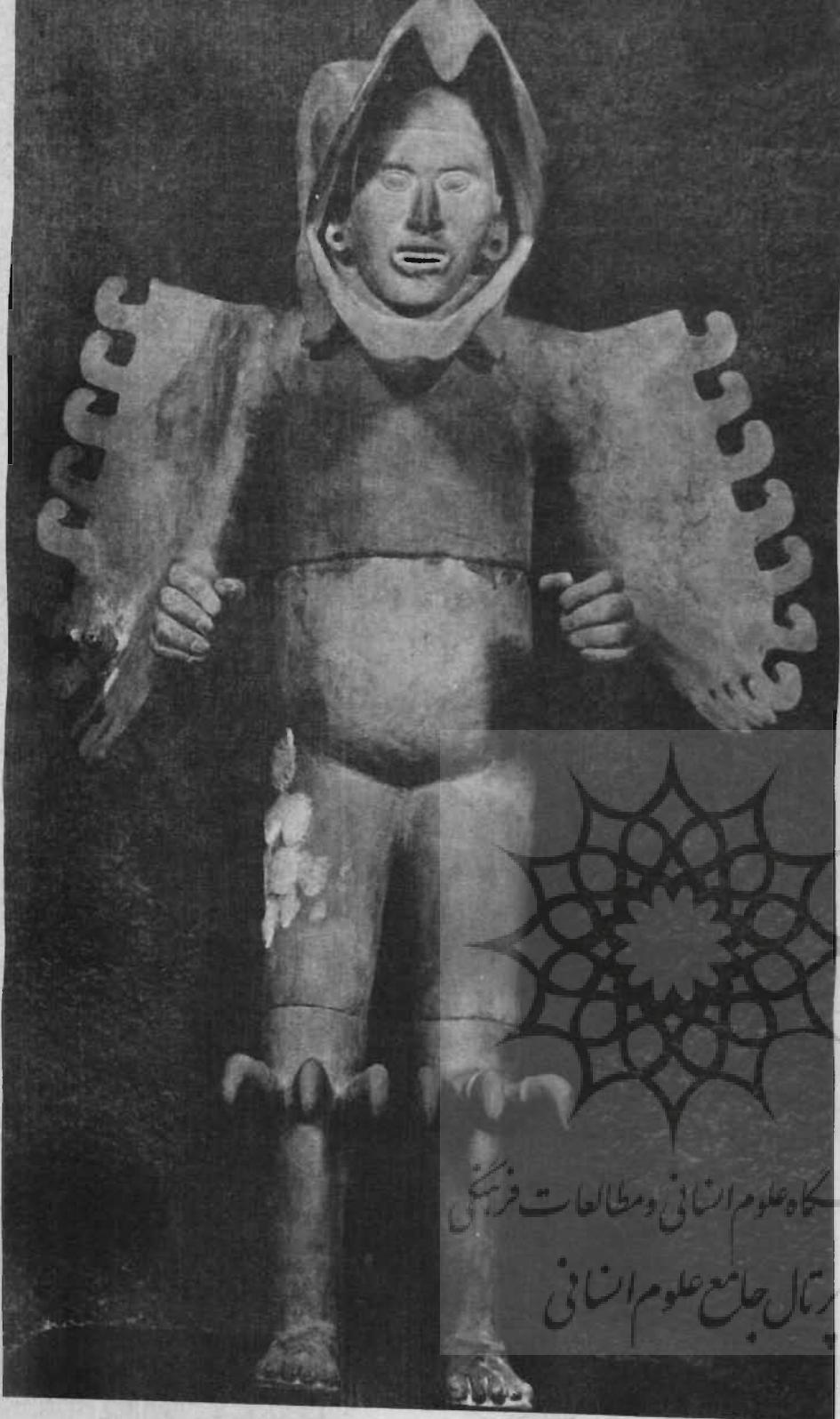
همچنین مشاهده می شود که قطعات، رو به جانب معین چیده شده اند، هایای موجود در سمت غربی، (نمای اصلی معبد) و هایای موجود در بخش خلفی آن رو به مغرب آفتاب دارند در صورتی که هایای موجود در وسط ساختمان، که (ستپلی) شمالی جزوی است، روی بذین دو جهت (شمال یا جنوب) دارند. دو هدیه شماره ۷ و ۶۱ که در وسط ساختمان، یکی رو به جنوب و دیگری رو به شمال نهاده شده محتوی دو مجموعه همگون از قطعات هستند. در بخش زیرین هر یک رشته صدقه ای در جهت شمال به جنوب و روی آنها (یکره) تماحهای قرار داده شده و در بخش فوقانی رب النوعی نشسته است که به عقیده ما نمایانگر «خیونتکوتلی» یکی از ارباب اسراع دیرین آتش و مرکز جهان و درون زمین است، در سمت

برگال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یک از این دو هدیه در صندوقی با دیواره سنگی قرار دارد و محتويات هر یک شبیه آن دیگری است و به نحو مشابه نیز جیده شده اند. از آنجه گذشت صحت این نظریه متأثید می شود که در این سرزمین ملئی کشاورز و سلحشور می زیسته اند که در زندگی خود به دو چیز: کشاورزی و خراجگری نکه داشته اند.

از آنجه گذشت صحت این نظریه متأثید می شود که در این سرزمین ملئی کشاورز و سلحشور می زیسته اند که در زندگی خود به دو چیز: کشاورزی و خراجگری نکه داشته اند.

صدفها مظہر دریا و تمساحها مظہر زمین و در رب النوع: خیونتکوتلی و تلالوک مظاہر آسمانند؛ همین کیفیت در هایای شماره ۱۱ و ۱۷ نیز مراعات شده که یکی رادر نمای اصلی، میان سر افعیهای که نشانه وحدت در معبد تلالوک و هویتی بلوچنده است قرار داده اند و دیگری را در بخش خلفی، آنجا که دو بنا به هم می بینند نهاده اند. هر



سلحشور عقاب. این بیکرۀ سرامیک که نمایانگر سلحشوری از رسته عقاب است و بلندی قامت آن به حدود دو متر می رسد از مستعار ترین بازیافته های معبد بزرگ است. در ارتش آزتیک دو رسته اصلی وجود داشته: رسته عقابان و رسته یوزان شکاری.

ادواردو ماتوس موکتزوما، مکزیک. مدیر کل مرکز کاوشها و برسیهای عالی مردمشناسی اجتماعی در «تلالپان». وی پیش از آغاز اجرای برنامه کاوش معبد بزرگ در پایخت مکزیک که خود در این مقاله شرح داده است به عملیات صحرایی گسترده ای در مطالق باستانشناسی مکزیک، «دوره پیش از کلمبو» برداخته است.